

عنوان مقاله:

دموکراسی رسانه ای، بایدها و نبایدها

محل انتشار:

دومین کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

سعید شادمان - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ی مدیریت استراتژیک دانشگاه خوارزمی

خلاصه مقاله:

تاکنون انواع مختلفی از الگوهای حکمرانی رسانه ای در جهان مطرح و پیاده سازی شده اند؛ الگوهایی که رابطه رسانه ها با حکومت و جامعه را تشریح می کنند. مدل های اقتدارگرا و کمونیستی، به مرور و با فروپاشی حکومت شوروی، دچار اضمحلال شده و تقریباً از بین رفتند. هم اکنون آثار کمی از این نوع حکمرانی بر رسانه در جهان باقی مانده است. اما الگوهای «لیبرال» و «مسئولیت اجتماعی» که پس از الگوی اقتدارگرا مورد استفاده قرار گرفته اند، همچنان نیز مورد استقبال دولت ها و مجامع مختلف بین المللی هستند. اما همواره نقدهایی هم به الگوی لیبرال وارد بوده. طرفداران مدل رسانه ای لیبرال معتقدند که الگوی رسانه ای کثرت گرا، لازمه ی برقراری آزادی بیان و دموکراسی در کشورهاست و ادعا کرده اند که دموکراسی رسانه ای، آخرین مرحله ی تکامل دموکراسی است. اما این نظر با انتقاداتی نیز مواجه شده است؛ انتقاداتی مبنی بر اینکه آزادی رسانه ها و کاهش (یا حتی حذف) دخالت دولت، موجب می شود که صاحبان رسانه ها به دلیل منافع (سیاسی، اقتصادی و...) خودشان، منافع عمومی و مسئولیت اجتماعی را زیر پا بگذارند. این مقاله با مرور تعدادی از مقالات داخلی و خارجی، به بایدها و نبایدها و جنبه های مختلف مفهوم «دموکراسی رسانه ای» می پردازد.

کلمات کلیدی:

رسانه، دموکراسی، حوزه عمومی، تکثرگرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1266245>

